پاورقی

۱۱۳ خاطرات ۴۵۳ روز حضور در کاخ سفید

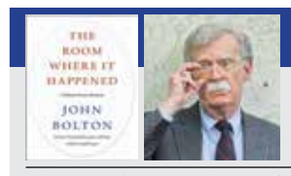

اتاقی که در آنجا اتفاق افتاد

جان بولتون / مشاور امنیت ملی سابق ترامپ / مترجمان: مسعود میرزایی و بهجت عباسی

امریکا و استارت جدید

ما امکان «جهانی کردن» پیمان «آی ان اف» را حداقل از لحاظ نظری بررسی کردیم که مثلاً بتواند شامل چین، ایران و دیگر کشورها نیز بشود، اما این رؤیایی بیش نبود که این کشورها به‌صورت داوطلبانه بخش زیادی از زرادخانه موشکی خود را برای تطبیق با شرایط این پیمان نابود کنند. در عوض می‌خواستم برای روس‌ها روشن کنم که خروج امریکا از این پیمان یک احتمال واقعی است و چون هنوز موضعگیری رسمی از سوی دولت در این زمینه نداشتیم، همین مسأله می‌توانست آنها را به شدت متعجب کند.

من همچنین اعلام کردم که بعید است ما بتوانیم با تمدید پنج‌ساله پیمان «استارت جدید» که در دوره اوباما امضا شده بود، موافقت کنیم. این پیمان با هدف «کاهش تسلیحات راهبردی» در سال ۲۰۱۰ توسط باراک اوباما و «دیمتری مدودف» رؤسای جمهوری وقت امریکا و روسیه در شهر پراگ پایتخت جمهوری چک امضا شد. من مطمئنم علاوه بر مسکو، بسیاری از لیبرال‌های امریکا هم برای تمدید آن دعا می‌کردند. دلایل زیادی وجود داشت که بر اساس آنها ما نباید تسلیم تمدید عجولانه و بدون تأمل پیمان استارت جدید می‌شدیم، از جمله این دلایل ضرورت حضور چین در مذاکرات مربوط به تسلیحات راهبردی برای نخستین بار بود که مطمئن بودم این پیشنهاد باعث تعجب روس‌ها می‌شد.

ما همچنین باید (بر خلاف استارت جدید) سلاح های هسته‌ای تاکتیکی و فناوری‌های جدیدی را که با شدت و حدت تمام توسط روس‌ها و چینی‌ها توسعه پیدا می‌کردند (نظیر گلایدرهای مافوق صوت) پوشش می‌دادیم. این فناوری‌ها هنگام امضای پیمان استارت جدید در سال ۲۰۱۰ در مراحل اولیه طراحی قرار داشتند. همه این موضوعات را به طور مفصل برای روس‌ها توضیح دادم. دست آخر هم گفتم ما باید بازگشت به مدل پیمان سال ۲۰۰۲ مسکو را که توسط اینجانب مذاکره شد و بسیار هم از لحاظ نظری ساده‌تر بود، مد نظر قرار دهیم. موضوعات زیادی برای طرح در مذاکرات مقامات شورای امنیت ملی دو کشور وجود داشت ولی برای شروع کار همین قدر کفایت می کرد. بعد از مذاکرات ژنو من عازم کیف پایتخت اوکراین شدم تا در مراسم سالروز استقلال آن کشور شرکت و با «پترو پوروشنکو» رئیس جمهوری، نخست‌وزیر و سایر مقامات اوکراینی گفت‌وگو کنم. من در سفر به کیف آنها را در جریان مذاکرات مربوط به پیمان «آی ان اف» با روس‌ها قرار دادم، چرا که این مذاکرات می توانست برنامه‌های دفاعی آنها را هم مستقیماً تحت تاثیر قرار دهد. چه کسی می‌توانست تصور کند که حدود یک سال بعد، اوکراین به یکی از موضوعات محوری در بحث‌های سیاسی داخلی امریکا تبدیل شود؟

پس از بازگشت به واشنگتن، به مدت چند ماه روی موضوع آماده‌سازی جهت خروج از پیمان «آی ان اف» متمرکز بودم که خودش یک گام مهم رو به جلو بود. فکر کردم ما باید از درز اطلاعات مربوط به آماده‌سازی امریکا برای خروج از این پیمان به رسانه‌ها جلوگیری کنیم، چون باعث تحریک و آشفتگی رسانه‌ها و دستگاه‌ها و نهادهای مرتبط با سیاست خارجی می‌شود. معتقد بودم ما باید رویکردی بی سر و صدا و در عین حال سریع و پیش‌رونده را پیگیری کنیم و در دام مذاکرات طولانی میان کارشناسان و مقاماتی که عمر کاری‌شان را با این پیمان سپری کرده‌اند نیفتیم، چون این افراد واقعاً نمی‌توانند مرگ این پیمان را که همه زندگی حرفه‌ای آنها را تشکیل می‌داده، تحمل کنند. باور داشتم که ترامپ با این رویکرد همراه است، هرچند که هیچ‌وقت نتوانستم مطمئن شوم که آیا او واقعاً درک می‌کند که «آی ان اف» بر سلاح‌های هسته‌ای نظارت نمی‌کند بلکه فقط با تنظیم مقررات مربوط به سامانه‌های حمل و شلیک کلاهک‌های هسته‌ای سر و کار دارد. من قصد داشتم خروج امریکا و یا حتی خروج احتمالی دو طرفه امریکا و روسیه از این پیمان را قبل از دیدار بعدی‌ام با پاتروشف در اواخر ماه اکتبر در مسکو، کلید بزنم (خروج امریکا از این پیمان می‌توانست پیام مهمی را برای چین و دیگر کشورها ارسال کند). تجربه به من آموخته است که بدون تعیین ضرب‌الاجل عملی، ساختارهای اداری و بوروکراتیک می‌توانند در مقابل هرگونه تغییر و اصلاحی به طور باورنکردنی مقاومت کنند و موفق هم بشوند.

ما همچنین باید متحدان خود را در ناتو برای دوره‌ای که دیگر «آی ان اف» وجود خارجی نخواهد داشت، آماده می‌کردیم. بسیاری از رهبران سیاسی اروپا معتقد بودند که آنها ورای تاریخ زندگی کرده و می کنند و هیچ عامل خارجی نباید اجازه داشته باشد قاره آرام و خوشحال آنها را درچار تلاطم و آشفتگی کند. چه فکر بکری؛ این را به روسیه و چین بگویید، حالا بگذریم از دوستان خوب اروپایی‌ها در ایران.

یک نمونه از این دست مذاکرات که در چارچوب توجیه متحدان امریکا انجام شد، گفت و گوی روز سوم اکتبر با «هایکو ماس» وزیر خارجه آلمان بود؛ یک سیاستمدار سوسیال دموکرات که جزیی از ائتلاف تحت رهبری آنگلا مرکل صدراعظم آن کشور بود که بدون هیچ‌گونه شک و تردیدی از طرفداران پیمان «آی ان اف» هم به شمار می‌رفت. من در دیدار با آلمان‌ها نگفتم که چقدر تفکرات ما همراه و نزدیک است، بلکه به جای آن تأکید کردم اروپا پیشاپیش هدف تهدیدات فزاینده‌ای قرار گرفته و کسی هم این تهدیدات روسیه را به چالش نمی‌کشد. همچنین توضیح دادم که چرا درباره «ثبات راهبردی» با روس‌ها مذاکره نمی‌کنیم چون آنها برنامه ملی دفاع موشکی امریکا را دوست ندارند و به همین دلیل ما درباره این موضوعات مذاکره نمی‌کنیم، چه برسد به اینکه بخواهیم برنامه‌های خود را به خواست روس‌ها تعدیل کنیم یا کنار بگذاریم.

الزامات و محدودیت‌های سیاست خارجی پساترامپی

راه دشوار «بایدن» در بازسازی جهان

ریچارد هاس
دیپلمات پیشین امریکایی
مترجم‌ها: بنفشه غلامی و زهره صفاری

نامزد پیروز ریاست جمهوری امریکا چندین اختیار حتمی دارد. او می‌تواند معاون، اعضای کابینه و حتی متن سخنرانی روز آغاز ریاست جمهوری‌اش را خودش انتخاب کند. همچنین یک‌سری دستورکارهای اجرایی مانند نخستین سفر خارجی و اینکه نخستین شخصیت مدعو به امریکا چه کسی باشد، نیز در اختیار شخص رئیس جمهور قرار دارد. اما آنچه که رئیس جمهور بعدی نمی‌تواند در آن دخالتی داشته باشد، شرایطی است که انتظارش را می‌کشد.

وقتی «جو بایدن»، رئیس جمهور منتخب نخستین بار وارد اتاق بیضی می‌شود، با دستور کاری روبه‌رو می‌شود که می‌توان آن را دلهره‌آور تعبیر کرد؛ مجموعه‌ای از چالش‌های داخلی و خارجی ناتمام که دقت و توجه کامل او را می‌طلبد. در این شرایط سؤالاتی مانند اینکه با توجه به زمان و منابع محدود در دسترس رئیس جمهوری چگونه و با چه کیفیتی باید به همه این کارها سر و سامان بدهد، اجتناب‌ناپذیر به نظر می‌رسد. بنابراین چاره‌ای نیست جز اینکه براساس ضرورت، فرصت و حقایق، اولویت‌های شفافی تعیین شود.

«tikkun olam» به معنای «اصلاح جهان» عبارتی است که یهودی‌ها به کار می‌برند. در معنای فردی این عبارت اشاره به نوعی از زندگی دارد که در آن هر کس در قبال اصلاح جهان ویرانی که در آن است مسئولیت داشته و فارغ از منافع شخصی، تلاش می‌کند آن را به مکانی بهتر برای پیشرفت کارها و رفاه دیگران تبدیل کند. اما این عبارت در معنای حکومتی و سیاسی به جهانی اشاره دارد که بشدت نیازمند اصلاح بوده و به‌واقع با فرآیندی زمانبر و با موفقیت‌های نابرابر همراه است. اما نباید فراموش کرد که اصلاح با ساختن متفاوت است. اصلاح یا ترمیم به شرایطی گفته می‌شود که چیزی آسیب دیده اما از کار نیفتاده است، این در حالی است که ساختن به خلق دوباره برای دستیابی به اهداف والاتر یا شرایطی تکامل یافته‌تر از قبل اطلاق می‌شود. با این تعریف ۶ تا ۹ ماه ابتدایی دولت «بایدن» در حوزه سیاست خارجی را می‌توان زمان اصلاحات نامید و پس از آن باید منتظر فرصت بوده و در برخی مناطق جهان برای ساختن وارد عمل شوند.

در چند ماه آتی شرایط داخلی می‌تواند وخامت بیشتری پیدا کند چراکه در روز آغازین کار «بایدن»، شیوع «کووید-۱۹» که تاکنون جان ۳۰۰ هزار امریکایی را گرفته است، روند صعودی داشته و آمارها را به بیش از ۱۰۰ هزار مبتلای جدید رسانده و می‌تواند بالای هزار مرگ دیگر را به رقم فعلی اضافه کند. انتظار می‌رود بیکاری به حدود ۶ تا ۷ درصد برسد و میلیون‌ها امریکایی توان پرداخت اجاره بها یا حتی رهن مسکن را هم نداشته باشند.

چالش‌های داخلی امریکا این کشور را در بحران اقتصادی و فیزیکی قرار داده است. امریکا به کشوری دوپاره بدل شده است. بیش از ۷۰ میلیون امریکایی به «دونالد ترامپ» رأی داده‌اند و بسیاری از آنها اظهارات مخرب او درباره دزدی آرا در انتخابات را باور داشته و بایدن را رئیس جمهور نامشروع می‌دانند. اختلاف طبقاتی، نابرابری نژادی و تحصیلاتی، شکافی در جامعه امریکا ایجاد خواهد کرد. دو حزب(که در هیچ یک نشانی از یکپارچگی نیست) در موارد مختلف از سیاست‌های مالیاتی گرفته تا ساختار پلیس و بهداشت عمومی در تضادی افراطی قرار دارند. از سوی دیگر شانس بالای جمهوریخواهان برای حفظ کنترل سنا آن هم در شرایطی که دموکرات‌ها با اختلاف کمتر، مجلس نمایندگان را در اختیار دارند، دولت را نیز می‌تواند دو پاره کند.

در این شرایط گرچه چالش‌های داخلی بیشترین وقت و منابع «بایدن» را خواهد گرفت اما بدون شک جهان خارج از مرزهای امریکا نیز آنقدر صبور نیست تا بتواند منتظر سامان یافتن بحران داخلی این کشور بماند. بنابراین دستورکارهای خارجی نیز کمتر از وضعیت داخلی هراسناک نخواهد بود.

این بخش می‌تواند تا حدود زیادی به سیاست‌های ترامپ ربط داشته باشد. به عبارت دیگر دولت ترامپ در برخی مناطق جهان کارش را درست انجام داده است؛ مواردی مانند همکاری‌های تجاری با چین، تجهیز سلاح‌های کشنده برای اوکراین، تمدید قراردادهای تجاری با کانادا و مکزیک و برقراری توافق عادی‌سازی روابط میان اسرائیل و برخی کشورهای عربی. اما در مقابل گزینه‌هایی مانند نادیده گرفتن ائتلاف‌هایی که ۷۵ سال ثبات بین‌المللی (شرایطی که اعتبار امریکایی را در میان دوستان و دشمنانش زیر سؤال برده) را برای امریکا رقم زدند، خروج از توافقنامه‌ها و سازمان‌های بزرگ بدون یافتن جایگزین مناسب و دست دوستی با رهبران چین، کره شمالی، روسیه و ترکیه برای منافع اندک یا هیچ، همان نقطه‌های سیاهی هستند که دولت ترامپ دچار اشتباه شد. همچنین نقض مکرر استانداردهای دموکراتیک توسط ترامپ و سیاست‌هایی مانند جدا کردن کودکان مهاجر از والدینشان و ممنوعیت ورود شهروندان بسیاری از کشورهای مسلمان نیز امریکا را در نگاه جهان به تنزل کشانده است.

اما سرزنش سلف «بایدن» برای همه یا حتی قاطبه چالش‌های بین‌المللی پیش روی او نگاه اشتباهی به شرایط است. بسیاری از این شرایط مدت‌ها پیش از «ترامپ» نیز وجود داشته و شماری نیز همچون قدرت روز افزون چین، بهره‌گیری روسیه از نیروی نظامی و ظرفیت‌های سایبری برای پیشبرد اهدافش، افزایش توان هسته‌ای و ظرفیت‌های ساخت موشک بالستیک کره شمالی، سیاست‌های ایران در منطقه بحران زده خاورمیانه، تغییرات شدید آب و هوایی، وجود دولت‌های ضعیف و ناکارآمد کشورهای در حال توسعه یا بحران آتی مهاجرتی، تا سال‌ها بعد نیز در اتاق بیضی کاخ سفید ماندگار خواهد بود. با این تفاسیر تغییر ساده سیاست‌های درست و نادرست ترامپ در بسیاری از این موارد نمی‌تواند راهکاری برای حل مشکل دولت جدید باشد.

■ **اولویت‌بندی اصلاحات**

اولین اولویت اصلاحات با توجه به واقعیتی که امروز و نه همیشه به عنوان موضوعی در چارچوب امنیت ملی امریکا مطرح است بهداشت عمومی خواهد بود. بنابراین دولت باید کارش را با کنترل «کووید-۱۹» در داخل آغاز کند. کشف راه‌های درمانی و واکسن بدون شک کمک شایانی در این راه خواهد بود اما زمان این اتفاق و تأثیر پذیری آنها فراتر از اختیارات دولت است. اما در این شرایط دولت می‌تواند با اولویت قرار دادن یک غربالگری سریع، دقیق، اجرایی و ارزان در سطح ملی به هدف خود برسد. مضاف بر این، کابینه «بایدن» می‌تواند با ترغیب مردم به رفتارهای پیشگیرانه مانند زدن ماسک، اوضاع را کمی در کنترل بگیرد. پیشرفت در کنترل شیوع کرونا برای احیای اقتصادی، بازیابی اعتبار و شایستگی امریکا و گسترش دامنه اقدامات دولت برای حل دیگر مشکلات حوزه داخلی و خارجی بسیار ضروری است. افزایش جایگاه پزشکی و درمانی و تثبیت وضعیت بیماران نیز برای انتخاب گزینه‌های آتی الزام‌آور است.

دولت بایدن می‌تواند و البته باید به سازمان بهداشت جهانی (که در سخنرانی «بایدن») پس از پیروزی نیز به آن اشاره شد) بازگردد. چراکه سازمان بهداشت جهانی قدرتمند باید علاوه بر پایان دادن به شیوع کرونا برای بحران‌های آتی مانند مقابله با بیماری‌های خاصی مانند سرطان، دیابت و بیماری‌های قلبی (که هنوز علل بسیاری از بیماری‌های و مرگ و میرها در سراسر جهان است) آماده شود. بنابراین با این بازگشت، امریکا در کنار شرکای همفکرش، به گونه‌ای در تقویت ساختار سازمان بهداشت جهانی نفوذ خواهد کرد که در صورت بروز بحران‌های مشابه مانند «کووید-۱۹»، هیچ کشوری نتواند در روند بررسی‌های کارشناسی خللی ایجاد کرده یا مانند آنچه چین در دو هفته ابتدایی شیوع کرونا انجام داد با تحت فشار قرار دادن این سازمان، آن را از مسیر وظایف خود خارج کند. بسیاری از این اقدامات از حوزه اصلاح خارج شده و نیاز به ساختن دوباره دارد. اما در هر حال نخستین گام، بازگشت به سازمان بهداشت جهانی و یاری آن در مهار بحران شیوع حال حاضر جهان است.

امریکا همچنین باید به مجموعه‌های بین‌المللی برای تحقیق، تولید، سرمایه‌گذاری، تخصیص و توزیع واکسن‌ها نیز بپیوندد. حسن این همکاری این است که امریکا می‌تواند از واکسنی که در هر نقطه از جهان ساخته می‌شود بهره‌مند شود و اگر این دستاورد در امریکا به دست آمده و به دیگر نقاط جهان برسد، این کشور راه زیادی را برای بازگشت به برتری امریکا در جهان و توسعه سریع اقتصادی و بهبود جسمی و فیزیکی جهان-که می‌تواند هم برای ارتقای امریکا و هم ثبات جهانی مؤثر باشد- طی کند. این شرایط کمکی بزرگ برای ایجاد ثبات در جهان است.

■ **چگونه دوستی‌ها را بازیابی کنیم**

دومین اولویت برای دولت جدید امریکا باید بازیابی اتحادهایش باشد که مزیت بزرگ ساختار سیاست خارجی این کشور است. اتحادها و همکاری‌های مشترک، با هدف پاسخگویی به تهدیدات امنیتی داخلی و خارجی، بستری برای راه حل‌های مختلف در بحران‌های جهانی ایجاد می‌کند. با این حال در سال‌های اخیر، اغلب متحدان امریکا اعتماد خود را به این کشور از دست داده‌اند که در نتیجه بی‌میلی امریکا برای ایستادن مقابل دشمنان و تحمل نداشتن برای ایستادن در کنار دوستان (در کنار مشکلات داخلی کشور) بوده است. بنا کردن هرچه سریع‌تر یک رویکرد جدید و مشورتی‌تر که تعهد بیشتری در آن وجود داشته باشد، این سیگنال را برای متحدان ما ارسال می‌کند که یک کلانتر جدید و بسیار متفاوت در شهر است. کسی که می‌خواهد با متحدانش در امور مختلف مسائل بین‌الملل کار کند. بازیابی اتحادها، می‌تواند بنیان مستحکم‌تری را برای خود امریکا و اقداماتی که می‌خواهد در جهان انجام دهد، ایجاد کند.

دولت بایدن می‌تواند در اوایل دوره خود، فراتر از دعوت از دیگران برای مشاوره‌های کارآمد، اقدامات قابل ملاحظه‌ای انجام دهد که نشان دهنده تعهد او نسبت به متحدانش باشد. یکی از این اقدامات می‌تواند، توقف هرچه سریع‌تر عقب نشینی نادرست نیروهای امریکایی از آلمان و حل اختلافات با کره جنوبی بر سر پرداخت هزینه‌های استقرار نیروهای امریکایی در این کشور باشد. بازنگری در توافق واشنگتن با طالبان بر سر خروج نیروهای امریکایی از افغانستان هم از دیگر موارد است. عقب نشینی نیروها باید بستگی به نوع رفتار طالبان و همراه با تعهد طولانی مدت امریکا در کمک‌های اقتصادی و نظامی به دولت افغانستان باشد. دولت جدید امریکا همچنین می‌تواند با فرانسه، آلمان و انگلیس وارد همکاری‌های مشترکی شود تا رویکرد جدیدی در قبال ایران اتخاذ کنند. برای مثال می‌تواند متعهد شود، دیگر بار به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) بر می‌گردد. البته به شرط اینکه ایران تمام اقداماتی را که بر سر آنها با امریکا و متحدانش توافق کرده بود، دیگر بار اجرا کرده و در ماه‌های آینده و سال‌های پیش رو باز هم با یکدیگر کار کنند و به چارچوبی جدید دست یابند که بیش از توافق فعلی دوام داشته باشد (زیرا برخی از بندهای توافق هسته‌ای قبل تا ۵ سال آینده به پایان می‌رسند). در آسیا هم دولت «بایدن» می‌تواند بسرعت کار رایزنی‌ها با کره جنوبی و ژاپن را در مورد بهترین راهکارهای مواجهه با کره‌شمالی آغاز کند. رویکردی که پیش‌بینی می‌شود، شامل کاهش برخی تحریم‌ها برای مهار پیونگ یانگ باشد.

دولت بایدن می‌تواند با بازگشت به توافق‌های بین‌المللی و مؤسسات جهانی، بر چند جانبه‌گرایی تأکید کند. البته نه برای خوشایند دیگران، بلکه برای اینکه این امر در جهت منافع امریکا است. علاوه بر بازگشت به سازمان جهانی بهداشت، یکی از توافق‌هایی که امریکا می‌تواند به آن بازگردد، توافق آب و هوایی پاریس است (البته گفته می‌شود «بایدن» قصد دارد در همان روزهای اول کار خود این کار را انجام دهد). هرچند اجرای تعهدات درمورد این توافق در جهت حل چالش‌های آب و هوایی نزدیک نیست، این کار می‌تواند تأثیر نمادینی داشته باشد و بعداً با گذشت زمان و با توافقی دیگر، یک سیاست جامع و مؤثر آب و هوایی را به‌دنبال داشته باشد. دولت جدید امریکا، به همین ترتیب می‌تواند بسرعت تلاش کند توافقنامه «استارت» (کنترل تسلیحات) دیگری را رقم بزند. بویژه که توافق «استارت» قبلی بزودی منقضی می‌شود. دولت «بایدن» در کنار کار روی این توافق جدید با رویکرد جامع‌تر، می‌تواند روی مسأله مداخلات روسیه در سیاست‌های امریکا، به‌کارگیری نیروهایش در خاورمیانه و اروپا و کژرفتاری‌های داخلی روسیه همچون حمله به چهره‌های مخالفی مثل «الکسی ناوالنی»، کار کند.

در مورد چین نیز احتمالاً تدوین یک سیاست جامع در قبال این کشور شامل موضوعات مختلفی از تجارت و تکنولوژی و فناوری‌های روز گرفته تا حقوق بشر و نگرانی‌های استراتژیک در حوزه دریای جنوبی چین و تایوان و افزایش قدرتنمایی چین مقابل همسایگانش، زمان می‌برد. اما دولت جدید می‌تواند، خیلی زود دو گام مهم بردارد. نخست: دولت جدید می‌تواند روشن کند که این سیاست جدید با همکاری نزدیک با متحدانش در آسیا و اروپا ایجاد خواهد شد. چنین رویکری ضامن حمایت گسترده از طرح‌های امریکا و در نتیجه موفقیت آن خواهد بود. دوم: می‌تواند تمایل به برقراری مذاکرات جدی استراتژیک با پکن را به منظور تعیین زمینه‌های همکاری‌های بالقوه (همچون کره شمالی و تغییرات آب و هوایی) را افزایش داده و بستر اختلافات اجتناب‌ناپذیر با چین را محدود کند (و در نگاهی واقع بینانه تر، شاید بتواند احتمال اینکه اختلافات به تقابل منجر شود را کاهش دهد).

■ **برای هر چیزی زمانی وجود دارد**

دولت «بایدن» در اقداماتی مشابه و زمان‌بر برای بازسازی و ساختن امریکای جدید، کارهای زیاد دیگری هم در پیش دارد. چند ماه طول خواهد کشید تا دولت جدید بتواند تیم امنیت ملی جدیدی را تشکیل دهد و سیاست‌های غیرآشفته و همکاری بین دستگاهی جدیدی را تدوین کند. همچنین مدتی طول خواهد کشید تا دولت جدید امریکا بتواند با اعضای کنگره از هر دو حزب به زمینه‌های مشترک دست یابد. چه در دولت فعلی و چه در دولت‌های قبلی امریکا، همواره بسیاری از سیاست‌های خارجی امریکا توسط قوه مجریه انجام شده است که خیلی ساده می‌تواند نتیجه عکس بدهد و بنابراین اعتبار امریکا را کاهش دهد.

به هر حال ممکن است توافق‌هایی بین آنها وجود داشته باشد. برای مثال در مورد چگونگی مقابله با چین و روسیه و حتی تصمیماتی درمورد مثلاً پیوستن به توافقی جامع در مورد همکاری تجاری میان کشورهای حوزه اقیانوس آرام (ترانس پاسیفیک) که اهداف استراتژیک، اقتصادی و اقلیمی بالقوه‌ای را برای امریکا به همراه دارد. می‌توان دست به ابتکارهایی جدید نیز در حوزه‌های مختلف زد از جمله: ایجاد تغییراتی در سازمان تجارت جهانی، بازسازی و نوسازی سرویس خارجی، تدوین قوانین جهانی برای فضای مجازی، تشویق ایجاد تغییر در ونزوئلا و سوریه، رقابت با طرح یک کمربند و یک جاده چین و ارائه گزینه‌های جانشین برای فناوری نسل پنجم این کشور، تقویت ناتو، ارتقای روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و فلسطینیان و.... بحث این است که این اقدامات و اقدامات جدید ممکن است خیلی نوید بخش نباشند اما همگی زمانبر هستند و در مدتی که اینها به نتیجه می‌رسند، باید متمرکز بر بازسازی چیزهایی که از بین رفته‌اند، بود.

هم امریکا و هم جهان، در نتیجه پاندمی کرونا و سیاست خارجی ۴ سال گذشته امریکا که بر اساس خروج بنا نهاده شده بود، آسیب دیده‌اند. خروج، فی النفسه خوب یا بد نیست. اما تحت دولت ترامپ به اعتبار امریکا و مجموعه ارزشمند دستاوردهای سه چهارم یک قرن اخیر، آسیب‌های جدی وارد شد. مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری امریکا نشان داد که مسائل و مشکلات جهانی که بویژه در حوزه دیپلماسی هم محدودیت‌هایی را ایجاد می‌کنند و هم فرصت‌هایی را به بار می‌آورند، دلمشغولی مردم امریکا نیست. اما برای تحقق فرصتی برای بازسازی امریکا، دولت جدید باید پیش از هرچیز دست به بازسازی‌هایی در داخل کشور خود بزند و سپس به سایر نقاط جهان بپردازد.

منبع: Foreign Affairs

AFP

برای حفظ توافق هسته‌ای ایران، بزرگتر فکر کنید

نگاه

تریتا پارسی
نویسنده و تحلیلگر سیاسی

«جو بایدن»، به عنوان رئیس جمهوری منتخب امریکا، بلافاصله پس از روی کار آمدن، وظیفه سخت بازگشت به توافق هسته‌ای با ایران و فراهم کردن شرایط برای مذاکره با ایران را پیش روی خود دارد.

این وظیفه می‌تواند سخت‌تر هم بشود زیرا «ترامپ» اعلام کرده، قصد دارد در ده هفته آخر دولت خود سیل تحریم‌ها را روانه ایران کند، اما بر خلاف آنچه که تیم او و اسرائیل امیدوارند ممکن است، بایدن نه تنها در اندیشه بازگشت به برجام که در فکر بهبود روابط با ایران به منظور تحکیم توافق‌ها در نقطه مقابل تلاش‌های مخرب عربستان، امارات و اسرائیل باشد.

البته این اولین بار نیست که اسرائیل دست به قمار در برابر ایران می‌زند. تل آویو اواسط دهه ۱۹۹۰ نیز تلاش کرده بود، برنامه هسته‌ای ایران را تبدیل به یک نگرانی امنیتی جهانی کرده و آن را در رأس سیاست خارجی امریکا قرار دهد. «بنیامین نتانیاهو» هم زمانی که روی کار آمد، در همین مسیر گام برداشت. استراتژی او این بود که گزینه‌های «باراک اوباما» درخصوص ایران را محدود کند و با این محدودیت‌ها شانس به نتیجه رسیدن هر نوع مذاکره‌ای با ایران را از بین ببرد و تنها دو گزینه را پیش روی «اوباما» بگذارد: جنگ یا کنار آمدن با ایران هسته‌ای. قمار نتانیاهو این بود که «اوباما» به‌راحتی نمی‌تواند اجازه دهد ایران تبدیل به قدرت هسته‌ای شود.

اما محاسبات «نتانیاهو» درست از آب در نیامد، زیرا «اوباما» ترجیح داد به جای انتخاب یکی از این دو گزینه به گزینه سوم که مذاکره بود، روی آورد و دیپلماسی واقعی با ایران، براساس امتیازات و سازش‌های متقابل آغاز شد. شاید اگر «نتانیاهو» نمی‌خواست «اوباما» را مجبور به کاری که او می‌خواهد کند، «اوباما» نیز همان کاری را می‌کرد که همه رؤسای جمهوری امریکا در مواجهه با مشکلات بزرگ انجام می‌دهند: کنار گذاشتن آن برای رئیس جمهوری بعدی. یعنی همان کاری که «اوباما» در مورد مسائل هسته‌ای کره شمالی کرد.

اما «بایدن» باید از پی گرفتن چنین شیوه‌ای بپرهیزد و بزرگ‌تر فکر کرده و اصرار بر آن داشته باشد که فراتر از توافق هسته‌ای به گسترده کردن روابط فکر کند، زیرا تجربه چند سال گذشته نشان داده است که وقتی روابط دو کشور رو به زوال است، نمی‌توان انتظار پایدار بودن هرگونه توافقی را داشت. «بایدن» باید به این فکر کند که امریکا می‌خواهد در قرن پیش رو چه رابطه‌ای با ایران داشته باشد؟ دشمنی پایان ناپذیر، دیگر منافع امریکا را تأمین نمی‌کند، و اگر مردم امریکا خواهان پایان جنگ و عقب‌نشینی نیروهای امریکایی از خاورمیانه هستند و امنیت امریکا در این مسأله نهفته است، بایدن باید همان طور که «اوباما» خود را بزرگتر از «نتانیاهو» نشان داد، خود را بزرگتر از «ترامپ» نشان دهد و به چیزی فراتر از توافق هسته‌ای فکر کند.

منبع: Foreign Affairs

نوبت دوم

آگهی تجدید مناقصه عمومی دومرحله‌ای

■ نام مناقصه‌گزار: بنیاد شهید و امور ایثارگران
■ موضوع مناقصه:

موضوع	تعداد مورد نیاز	میزان سپرده فرآیند ارجاع کار به ریال	شماره مناقصه
خرید ویلچر فعال (صرفاً تولید داخلی) جهت ایثارگران معزز	۱۰۰۰ دستگاه	۴،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰	۹۹/۸

■ مهلت دریافت اسناد: متقاضیان می‌توانند با ورود به سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به آدرس www.setadiran.ir به شماره فراخوان ۲۰۹۹۰۰۵۳۴۵۰۰۰۰۱۶ از تاریخ چاپ آگهی نوبت اول روز چهارشنبه مورخ ۹۹/۸/۲۱ لغایت ساعت ۱۴:۰۰ روز سه‌شنبه مورخ ۹۹/۸/۲۷ برای دریافت اسناد مناقصه اقدام نمایند.
■ مهلت ارائه پیشنهاد قیمت: مهلت ارائه پیشنهاد قیمت شرکت‌کنندگان در مناقصه حداکثر تا ساعت ۱۴، روز شنبه مورخ ۹۹/۹/۸ می‌باشد.
■ تاریخ بازگشایی پاکات: تاریخ بازگشایی پاکات (الف – ب) روز یک‌شنبه مورخ ۱۳۹۹/۹/۹ می‌باشد.
■ محل بازگشایی پاکات: تهران، خیابان طالقانی، تقاطع حافظ، جنب بانک سینا، ساختمان شهید مقیمی، پلاک ۳۲۹، طبقه سوم، دفتر معاونت توسعه مدیریت و منابع
تلفن تماس: ۷-۸۸۹۲۷۴۲۶ و ۴۲۵۸۱۳۷۷ واحد تخصصی: ۸۸۳۱۳۹۱۷

اسناد و مدارک ارائه شده در چارچوب ضوابط و مقررات قانونی مناقصات بررسی و از شرکت‌هایی که حائز امتیاز فنی مورد نیاز بنیاد گردیده‌اند برای بازگشایی پاکات (ج) دعوت به عمل می‌آید و با برنده مناقصه قرارداد منعقد خواهد شد.

دبیرخانه کمیسیون معاملات